

از سبیل بوجرام کفر اعم است از قبل و در صورتی که در اول امر با نوازی و در
ربا با ان ریت لبور خلیت بقضایل و کفر کج حین کنه مراد اس الکر الکر
العیان الخیة امین با رضایا تحقیق من سوال میکنم از تو که برکت کنی در کوشش
و در چشم من که استعجال بر کنی و مضایق تو باشد تا آخر عمر در هیچ کجا بقضای
نشد و در جان من که دایم در ذکر تو باشد تو را در فضل کفایت و در قطع بقیعت
ست و بکبر آن در برکت کنی در صورتی که در مدرک بجز است بعد ریت من که
مدرک بجز است ای ظاهر من در عبارت تو ما طین من در ذکر صفات تو با
به آنکه در هیچ کجا نقیض راه ما به در راه ملک خانه من که در عبارت تو باشد
و در زمین من که در زمین من هیچ یک با تو باشد و در جمیع اعمال من که در قولی باشد
با خالص یاد عمل من نزد انما ظاهر من که اعتبار را غایت است تو را بقیعت
معلوف است بر تبارک بجز است احد القامین که در اصل تحقیق بعد و در
شیخ بصیف احمر که مویزش عبارت کتاب کلم طلبیست اللهم نقبل حسنا
بزاد است اللهم اسوال میکنم از تو که قبول کنی حسنا مراد اس الکر الکر
العیان الخیة امین ای سبج دعای با تحب الدعوات در جمیع دعوات سوال
عالیه جنت انشا ریت با آنکه آن دعوات مطلب است و مقصود است
امین بر آن که طلب اجابت است از خدا امین اللهم اجعل او سع برکت علی
عنه که سنی و انقطاع عمری مستحسن که بر کجاست و فتح موهب من بزرگسال
شدن ریت از ناب عیال من که در سن بزرگسال بعد از آن صحت است بر بزرگسال
در صحت مندرک و هیچ در مطر از آن در ریت از حضرت عالی به صدقه که در
ضامن تو انبار خدا را بخوانی و هیچ تر از آن موهب بزرگسال در بزرگسال

در زمین

و نیز در ممتنی شدن اصل من تا مقهور و متباد با ششم در اصلاح کار و حال
خند و مصحح بر زرق حسه عمل کردی که است بنیانه ذکر الوقت کجول صغیف
عنه السعد و الکر انما شرحی تا نه که رسول خدا را در دنیا میکنم به آنجا که از نظر
خراسته نه استغنی میکنم و در نون از راه و در کوزه نردا و در لینه و حضرت
عنه را وصیت فرموده که او را آن دین کند و نیز وصیت رسول خدا را که در نون
جایک بجا و در اجتهاد و لینه و لینه و در طاعت و توکل و اعتقاد بر سر العباد و در شکر
کنند و دنیا و جلال زبر رسول خدا عرض کرد که در آن ایضا غنم و مقهور ابر غنم
نرمه نفس را جمع یونان صر و در شیخ یونان شکر و تقال تان یه و نرق بر کج و در
من اللهم اغفر ذنوبی و خطای و عذر حسب شیخ الیوم ان جان مرد است از غنم
این ابا العاص رحم که رسول خدا میخواهد با رضایا مغفرت کنی مرا حسب کنان را
و حسب کنان هر را که بطریق خطا کردم و حسب کنان هر را که لایق تقصیر کرده ام تقصیر است
بعد از اجمال و در شیخ الیوم خطای ما بی بصیغه جمع میکنم موهب موهب تو که در جمیع
ایمن لا اله الا العزیز و لا اله الا العزیز و لا اله الا العزیز و لا اله الا العزیز
الدوایر بعلم من قیل الجبال و میکائیل الجبار و عدو قتل المظالم و عدو ورق الابرار
و عدو ما اظلم علیه اللیل و اشرق علیه النهار و لا اله الا الله و لا اله الا الله
ارضا و لا یجوز ما یفوقه و لا یصل ما یفوقه و لا یصل ما یفوقه و لا یصل ما یفوقه
الذی یوم القاضی فی طهرین لفظ و ابره خطا کرد و بهر جهت قولی را علیه ابره
و در هر جمیع منتقال و اهمیت بسیار منتقال سمکت و المسحوق ای بسا در هر جمیع
و غنم اسباع در تمام و بسا الطامع ارضیه و غنم و غنم و غنم و غنم و غنم و غنم
غرفون غنم و غنم قیل جمع انهم مکابیل یا مین غنم و غنم و غنم و غنم و غنم و غنم

۲۱۵